



انجمن پادشاهی ایران کانادا

علامه مجلسی می نویسد:

روزی محمد به خانه پسرش زید رفت ، او در خانه نبود ، ولی زن او زینب در حال حمام کردن بود و محمد اندام برهنه او را دید و در اولین نگاه عاشق او شد. خلاصه هر طوری که بود، زینب را از چنگ زید در آورد که خود داستانی دراز دارد.

و اما در شب ازدواجش با زینب ، افراد زیادی حتی به حالت اعتراض به خانه محمد آمده بودند. " ای محمد ، ای پیامبر خدا، شرمت باد ، تو چگونه می توانی با همسر فرزندت ازدواج کنی ؟ ننگ بر آئین تو که آنرا بنام دین خدا وسیله فیب مردم قرار داده ای"

محمد تا اوضاع را وخیم دید ، و برای اینکه به سئوالات اعتراض آمیز دیگران پاسخی ندهد.

در جا چند آیه ای نازل کرد تا مردم را هر چه زود تر متفرق کند و زینب را به حجله ببرد. و مضحکترین آیه نازل شده در آن شب، آیه 53 سوره احزاب که می گوید:

ای کسانی که ایمان آورده اید، در خانه پیامبر بیش از اندازه معطل نشوید - غذایتان را بخورید و گورتان را گم کنید و تا دعوت بعدی مراجعه نکنید. خانه پیامبر طویله نیست که بخواهید کنگر خورده و لنگر اندازید. بیش از این مزاحم نشوید که ماندن بیش اندازه شما پیامبر را آزار می دهد.

در دیگ باز است ، حیای گربه کجاست ؟
زودتر بروید و گورتان را گم کنید !

اخطار انجمن پادشاهی ایران به تمام حرامزادها و تخم و ترکه تازی ، که نصیحت محمد تازی را بگوش بگیرند ، و قبل از آنکه در آتش خشم ملت ستم دیده ایران گرفتار شوند ، بروند و گورشان را گم کنند که:

ایران ما امسال باید آزاد گردد

پاینده ایران _ پایدار و سر افراز باد آئین ریشه ای

انجمن نوشیروان - کانادا
شنبه، 30/10/2004

www.noushirvan.org